



داکتر سید عبدالله کاظم

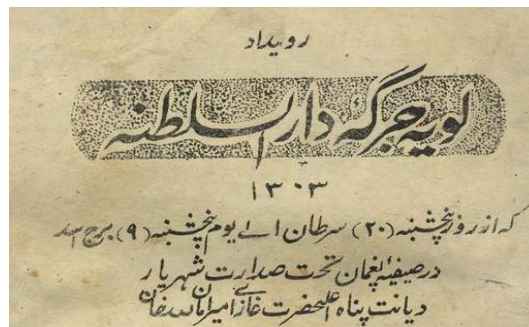
به همکاری: محمد ایاز نوری (آزادی) و نازک میر زهیر

26 آگست 2016

"رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)

(قسمت سیزدهم)



د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

قرائت نظامنامه نکاح و عروسی و ختنه سوری

{در اینجا خسروانه یک بیانیه مطولی را آویزه گوش صداقت نبیوش حضار فرمودند و مفاد نکاح واحد را با مضار نکاح زیاده از آنرا خوب شرح و بسط دادند که این مرتب از آئینان چیزی را که بخاطر گرفته توانسته است، اجمالاً در ذیل به تحریر آن میپردازم. ب.د.}

اعلیحضرت: ایزد پاک همچنانیکه در قرآن مجید بما مسلمانان اجازه نکاح را تا بچهار زن عطا و کرامت فرموده است، همچنان بلکه بیشتر از آن بر بنده گان خود تأکید عدالت و مساوات را در میان ازواج شان نموده است. و اسفا در این زمان اکثر از مسلمانان این حصه کلام رب العالمین را که (فَنكحُوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع) است تماماً بنظر قبول می بینیم و از آن حصه مهمه آن که (و ام خفتم الا تعدلواحدة) کاملاً صرف نظر نموده ایم. این عاجز از وضع این نظامنامه بجز از تعمیل و تنویر احکام رب قدیر و متوجه نمودن مسلمانان را بسوی این خطای فاحش شان و آنها را موفق داشتن و مکلف نمودن بدین حکم پروردگار، چیزی را در نظر نداشتم.

بلی مقصدم از وضع این نظامنامه آن است که من عاجز از زمان شهزاده گی خویش الی آلان بغیر از نفاق ملت افغانیه و قتل و قتل درخصوص زن گرفتن و دختر دادن دیگر چیزها ندیده ام و نمی بینم. آرزو دارم که بیک طریقه خوب و یک روش مرغوب که خوشی جانبین را حائز باشد، مراسم ازدواج را بنمائید تا حیات و گذاره و صورت معیشت تان باتفاق خوشی و یکرنگی بگذرد. والله دیده ام که مابین دو برادر در خصوص یک زن اینطور عداوت و عناد پیدا شده که اگر در راه، آن برادر دیگر خود را ببیند، بجز آنکه سرش را قطع کند، دلش سرد نمیشود و همچنین نکاح صغارت نیز موجب مشاجرات و مناقشات دیده و شنیده شده است. چنانکه یکی بر خواسته میگوید که این دختر را پدرش در وقت صغارت برای من نامزد کرده است که در اینصورت هم در خانه داماد یک نزاع پیدا میشود و هم در خانه عروس منافرت بوجود می آمد. در خصوص شخصیکه یکزن داشت و خواهش نکاح ثانی را مینمود، چنین کردیم که در نکاح دوم، دو نفر شاهد بیاورد که شخص عادل و بانصاف است. چرا آن زن اول بیچاره در صورتیکه بروی زن بیاید، معلوم است که با یک عالم زحمات دچار میگردد. لکن از خوف مظالم شوهر صدای نمیکشد و آوازش بجای نمیرسد هر قدر ظلم و تعدی که [شوهر] مینمود بیچاره فلک زده تحمل میکرد و با این بعضی زنها در محمکه ها بی پرده میرفت و شوهرش که بیرون با یک وضعیت خیلی قشنگ می برآمد، بواسطه که زنش او را بمحکمه آورده هزار لعن و طعن می شنید. فقط اندفع این مظالم و قائم شدن عدالتی که خداوند تأکید آنرا در ازدواج فرموده چه کردیم، گفتیم یک شاهد و یک تصدیق نامه آن مردیکه میل به نکاح ثانی را دارد، قبل از عروسی بدهد که زن اول و ثانی را بیک نظر دیده عدالت مینمایم، در این نکته من خیر ملت خود را می دانم مثل امروز زکوة را مردم بسیار کم میدهند، مالیه را بخوبی میرسانند، چیست که در حصول زکوة محصل [مقصد همان پولیس یا عسکری است که بخانه شخص مورد نظر از طرف حکومت فرستاده میشود تا شخص به ادای دین خود بپردازد] مقرر نیست و بر مالیه موجود است. گویا مصدق محصل عدالت و مساوات گفته میشود، هزار افسوس بر نا خوانی و جهالت که نظامنامه را نخواند و ندیده چنان کردند که حکومت امر کرده، تا رضای زن اول نباشد، احدی دیگر زن گرفته نمیتواند. نی! آغا مساوات بکن. عدالت بکن چهار زن بگیر، لکن از آن چهار زن که همیشه در بین شان جنگ و جدال و قتل و قتل باشد، بخیالم یکزن بهتر است. حکومت شما گاهی نگفته که در گرفتن زن ثانی رضای زن اول بکار است. کدام زن است که بگرفتن یکزن دیگر، شوهر خود را امر کند و

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

رضا باشد حتی اگر یک زن لنگ و کور هم باشد، گاهی به این امر خوش نیست که شوهرش زن دیگر بگیرد.

اما در وقتیکه یک مرد عدالت و مساوات نداشته باشد، گاهی راضی نیستم که زن دیگر بگیرد و باز هر دوی شان در محکمه جات حاضر شوند. هر کس که بحث و مذاکره و تنقید برین نظامنامه داشته باشد اینکه نظام نامه برایتان سرا پا خوانده میشود، بشنوید و فقرات بحث طلب را بیرون نویس کنید که در خاتمه بران گفت و شنید نمایم. من حاضریم که همراه تان در آن موضوع گفت و گو کنم. {بعداً منشی مجلس نظامنامه مزبور را به آواز بلند خواندن آغاز کرد. بعد از خواندن نظامنامه نکاح و عروسی فقراتی که بر آن اعتراضات و گفت و شنید بعمل آمده مجملاً حسب ذیل است. ب.د.}

وکیل قندهاری: اعلیحضرتا! ما مقصریم از اینکه یک فکر و رأی بدهیم. چیزی که شرع شریف و احادیث منیف فرموده و علمای ما از آن معلومات دارند، بگویند تا ما عمل کنیم ما همه اوامر شریعت را آما و صدقنا گفته بسر چشم قبول داریم.

وکیل سمت مشرقی: در ماده که در آن ذکر نگرفتن بیشتر از یک زن است، در صورت عدم مساوات و اعتراض کنان گفت که در اینجا حکم بدست مرد است که خواه یکزن میکنند یا چهار زن. حکومت حق ندارد که منع کند. چرا که در شریعت موقوف نشده در صورت عدم عدالت و مساوات، زن مختار است که خودش در محکمه میرود و یا وکیل میگیرد تا همراه شوهرش مباحثه بکند و حقوق حقه آنزن را بدستش بدهد.

اعلیحضرت: کسی شما را از چهار زن گرفتن منع نکرده است و گاهی قانون دولت برای شما نشان نمی دهد که بغیر از یکزن بگرفتن دیگر عیال ماذون نمی باشید. این افواه که زبان زد عوام گردیده از تبلیغات اعداء و از بیخبری خود شماست که از یکطرف بقول دشمنان خود گوش داده اید و از جانب دیگر بطرف نظامات دولت الطفات نمیکنید و دقت را بکار نمی برید که آیا این حکم در کدام ماده و کدام صحیفه نظامنامه مندرج است، ابدأ حکومت شما تعداد ازواج را مانع نشده است. البته یگانه خواهش حکومت آنست که بر طبق فرمایش ایزد پاک عدالت و مساوات حقیقی در بین طبقه ذکور و اناث مرعی و معمول باشد و این از بدیهات است اشخاصیکه بیشتر از یک زن را در حباله نکاح میگیرند، ابدأ مراعات عدل و انصاف را نمیکنند و اولاده یک زن، اطفال دیگر زن شوهر خود را که در حقیقت برادر اند، با اقارب و طرفین او بنظر بغض و حسد نگرسته رفته رفته از همین تعداد ازواج چنان یک نفاق و بیگانگی در بین اقارب نزدیک بوجود میآید برضد اوامری که ایزد پاک بار بار ما را باتحاد و اتفاق دعوت کرده است، عملیات نا گوار بمیان میآید. از این رو حکومت تان نه حکم امتناع تعدد ازواج کرده و نه آنها را یکسره اجازه داده است که باوجود مظالم و بی انصافی و اعتساف [ستم کردن] پیشگی چند زن بنمایند که بدون مصداق و علامات و شواهد عدالت بیشتر از یک زن را گرفته بتوانند. البته اگر کسی تصدیق انصاف و مساوات و عدالت ناکح رابکند، گاهی حکومت او را از تعدد منکوحات مانع نمیشود.

مولوی فضل ربی: عرض کرد که ایزد پاک اجازه گرفتن چهار زن را داده در صورت عدم عدالت البته بیشتر از یک زن را اجازه نفرموده است. مگر بشرط و لفظ مصدق نه در قرآن و نه در حدیث و نه در کتب فقهیه برای نکاح ثانی موجود است، بلی در صورتیکه مرد حق یکی از زنان خود را تلف کند، آنزن مظلومه حق تلف شده خود را که شریعت بدو اجازه داده است و استغاثه مظالم و حق تلفی شوهر خود را شخصاً و یا وکالتاً یکی از اقاربش در محاکم شرعیه بنماید، علاوه بر آن خطاب عدالت

از طرف رب العزت برای شوهران است نه بر اولی الامر. لهذا پادشاه هیچ حق مداخلت را در تعدد نکاح بنقرر مصداق و شرط عدالت نخواهد داشت و این هم بدیهی است باوجودیکه مرد در موقع نکاح خویش تصدیق عدالت خود را بنماید، چون قبل از وقت است بعد از نکاح اگر عدالت نکند از عقل بعید نیست. پس عقلاً و نقلاً وجود شرط مصدق در تعداد ازدواج بی سود است.

لویه جرگه : در اینجا یک غلغله بر خلاف تقرر مصدق برپاشده هر کسی از علماء و وکلاء و سادات برپا خواسته نظریات مطوله و مختصره خویش را برعدم تقرر مصدق خاتمه میداد و هم ضمناً از محصولیکه بر نکاح ثانی و ثالث و رابع حسب المراتب مقرر بود، زمزه سرای کرده متفقاً اظهار داشتند که مصدق و محصول هر دو باید الغا یابد و ذات همایونی بکمال بشاشت و خنده پیشانی حسب النوبه بسخن هر کدامی گوش میداد.

حضرت صاحب شوربازار: بالاخره فضائل مآب حضرت شور بازار نتیجه تمام این مذاکرات را چنین بخدمت شهریار خویش رسانید که: در باره مصدق شخص خودم هیچ گفته نمی توانم که باشد یا نه، لکن آرزومند محصولیکه بر شوهران بنکاح دوم، سوم و چهارم در این سال مجدداً مقرر شده است، معاف گردد .

اعلیحضرت : در اینجا یک بیانیه را در حقوقیکه نسوان بالای مردان دارد عقلاً و نقلاً ثابت کنان و از مظالم که بران بیچاره گان بواسطه همین تعداد ازدواج وارد می آید و عده از اهالی، آنها را که بمیل خاطر شان نباشد، میفروشد و به حیوانات مبادله مینمایند و به حالت زار نگهداشت مینمایند، بیک الفاظ نهایت رقت آور بیان داشته و در خاتمه فرمودند که ما و شما تماماً از طبقه اناتیه که بجز از چشم و نگاه ما دیگرپیرا نمی شناسند و اسباب مسرت و غمگینی شان خنده پیشانی و چین جبین ما مردان است، مسئولیم. مخصوصاً شخص خودم که الطاف خداوندی پادشاه شمایم، چنانچه از رفاه و آرامی شما مردان مسئولم، بیشتر تر از رعایای اناتیه خود نیز شرعاً و عقلاً و نقلاً مسئولم. بخدا که دل و جان و وجدان من گاهی بدین امر و ادار نیست که محض بواسطه خواهش نفسانی یک عده از مردان بهیمة [حیوان] صفت این همه پریشانی ها و مذلت را بر یکدسته از رعایای مظلومه ببیزبان ملت که طبقه مستورات است، روادار شوم. و این را هم نا گفته نمیگذارم که شما علماء و فضلاء همچنان که من در این مسئولیت داخلم، زیاده تر زیر بار این مسئولیت خواهید بود. از برای خدا کسانیکه ترتیب معیشت و نگرانی آنها را خداوند به ذمه شما گذاشته است، آن حق را رعایت کنید و عینک بهیمة صفاتی را از خود دور کرده بچشم حق بین در اصل مسئله وقت را بکار برید. زندگانی مردی که یکرز داشته باشد، نسبت به اشخاصیکه زنهاى مختلفه السیرت متعددی را داشته باشد، چقدر متفاوت است.

مولوی محمد حسینخان: در تعداد ازدواج عرض میکنم که از آیه شریفه است (ولن تسطیعوا تعدلو بین النساء ولو حرصتم فلا متلو کل المیل فتذروها کالمعلقه) استنباط می شود که شما در میان زنها متعدد هر گز عدل کرده نمیتوانید بیشتر بیان شده (و ان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ملکات ایمانکم) اگر خوف کنید که عدل کرده نخواهید توانست، پس یک زوجه بس است یا کنیز هایتان. بهر کیف چون بنا بر بعضی اسباب ضروری و لابدی چهار جائز شد، شرط عدل هم لازم آمد و اگر عدل نشود لاجرم درمیان زن و شوهر نفاق و شقاق رو می نهد. درد دیگر آیت وارد است (وان خفتم شقاق بینهما فابحثو حکماً من اهل و حکماً من اهلها) اگر شما از شقاق و عداوت یکدیگر میترسید، پس یک حکم از طرف شوهر و دیگر از جانب زن مقرر کنید. لهذا در صورتیکه مرد بعد از ازدواج واحده خیال

دیگر زن را داشته باشد، چون عدل محال است و از عدم عدل آن اندیشه شقاق لاحق میشود، پس هنگام ازدواج مزید یک نفر از طرف مرد و دیگر از اهل زن پیشتر مقرر باشد تا اصلاح شانرا بعمل آرد و این دو نفر دائماً ضامن و مراقب و منفعت احوال هر دو طرف باشند. این یک تجویزیست که بخاطر فاطر من گذشته است البته علماء تطبیق یا تردید آنرا کرده میتوانند.

{ در اثر گذارش مولویصاحب عدۀ علماء بر علیه شان بر خواستند با اینکه در اوضاع خود مولویصاحب نیز استعداد کافی در جوابدهی موجود بود، بآنهم حضرت مولوی محمد بشیر خان بر خواسته حضار را خطابه کنان فرمودند که از طرف مولویصاحب محمد حسین خان وکالتاً و از طرف خویش اصالتاً توضیح این مطلب را ذهن نشین سامعین مینمایم. ب.د.}

مولوی محمد بشیر: بتائید اعلیحضرت غازی آیه شریفه محسنین و غیرمسافحین و دیگر آیاتی را که در مورد شفقت و نظر رحمت داشتن بر طبقۀ انائیه بود، با احادیث شریف در روایات منیف خوانده و بترجمۀ عام فهم آن بیک جوش و خروش فوق العاده پرداخته مخصوصاً آن حدیث رسول اکرم(ص) که در موقع حجة الوداع نسبت به مراعات نسوان و عطف توجه نمودن مردان بدین اجسام لطیفه فرموده اند، با بندی از این مظالم و بیدادی هائیرا که رجال موجوده بر ازواج متعدده خویش فی الحال روادار میشوند، بالفاظ نهایت پر شور ایراد داشته فلسفۀ تعدد ازواج را در زمانۀ صحابه محض برای سرپرستی بیوگانی که در جهاد شوهران شان و فات میگردند و به تعداد از خود بیوه ها میگذاشتند، بیان کرده گفت: نه اینکه مقصد از چهار زن گرفتن میل نفسانی را پوره کردن مقصود شان بوده در خاتمه در این قید و بستیکه ذات خسروانه بر تعدد ازواج فرموده اند، حضور ملوکانه را حق بجانب گفته علماء را که بلفظ مؤدبانه بدین امر توجه دادند که باید در حال مراعات نسوان بعمل آید.

یک ملا: بر پا خواسته به تائید مولوی محمد بشیر خان و اعلیحضرت غازی و عموم کلمات از حد مفیدیرا ایراد کنان بعرض رسانید، که شریعت محض بغرض اقامۀ عدالت برای زنانیکه در نفقه و کسوت و غیره لوازماتش از طرف شوهر نقص و فتوری واقع شود، و اجازه داده است که بحکومت استغاثه کند، اگر بجای مصدق در نظامنامه چنانچه تشریح شود زنان مظلوم که حقوق شانرا مردان تلف کنند، حق دارند بهر ذریعۀ که میتوانند این مسئله را بمحکمه مرافعه کنند و حکومت راست که علاوه بر توصیه عدالت و مساوات، آنمرد ظالم را مجازات کند.

لویه جرگه: {چون یگانه نظر اعلیحضرت پابندی شریعت غرای احمدی و عدالت گستری و رعیت پروریست در اینجا چنان یک نظریه موجب اتفاق عموم و بر طبق شریعت بود، ایراد فرموده گفتند:}

اعلیحضرت: امسال در حین ترتیب بودجه، وزارت مالیه چیزی مبلغ را از عائد کمتر و مصارف را بیشتر نشان داد. مجلس وزراء برای تعمیل آن مخارج هر چند سنجیدند ممری را نیافتند اگر بر مالیه یا گمرک و بر دیگر محصولات دولتی می افزودند، ظاهراً ظلم و بار اندازی گفته میشد، بالاخره چنان سنجیدیم که مبلغ بر دو شعبه ایزاد گردد، اولاً بر عرایضی که مردم بنزد مامورین دولتی حق و نا حق نموده موجب سرگردانی نا حق اهالی و تطمیع اوقات مامورین دولتی میشوند، افزودیم تا مردم بواسطۀ گرانی عرایض در صورتیکه مقصد شان مظلوم آزاری و سرگردانی باشد، عریضه پرداز نشوند. دوم برای نکاح ثانی و ثالث و رابع چون عموماً بغرض میل نفسانی و عیاشی میباشد و ظاهراً کسیکه نکاح متعدد میکند، حتماً پول زیاد هم داشته میباشد، افزودیم و برای شخصیکه بنا بر بعضی مجبوریت های خانگی نکاح ثانی میکند، این محصول را معاف داشتیم و هم از مصدق مقصد رفع

مظالم و ادامه عدالت و مساوات از اول مرحله بود، چنانچه برای حفاظت خزانة و مقامات لازمه از ابتداء بهره دار مقرر میشود تا دزد در آن اطراف و اکناف تردد نکنند. اکنون که شما علمای اعلام خواستار معافی محصول میباشید و هم برای دوام عدالت و مساوات در باب زن شکایت نمودن را بمحاکم عدلیه دادید و هم حکومت را بمجازات شخصیکه بر ازواج خویش مراعات عدالت را نمیکند، اختیار دادید هر دو یک مطلب است. گویا من از اول بهره دار مقرر کرده بودم که دزدی نشود و دزد بنظر نیاید و شما میگوید که حاجت ندارد اگر دزدی شد و مال غایب گشت، باز از روی تفتیش و دلایل و امارات مال را هم پیدا میکنم و دزد را هم مجازات میدهم. این خادم شرع شریف نیز بر این نظر شما مسرور و از این حق پسندی شما که همواره برای نسوان مظلوم حق استغاثه را از دست شوهران ظالم شان دادید، تشکر میکنم، برای حکومت قید اولیه که در نظامنامه بود و این قیدی را که شما بجهت همیشه فی الحال رأی دادید فرق نمیکند، بلکه نسبت پیشتر زیاده تر از حکومت ترقب عدالت را مینمایند.

یک وکیل: بلی! بلی! ضرور باید هم بر شوهرانیکه زنان مظلوم خود را از استغاثه بمحکمه شرعیه مانع میشوند، مجازات مقرر گردد و هم بر مردی که با وجود تنبیه حکومت مکرراً باز بیمروئی و مظالم پیشگی را واگذار نشود و باز استغاثه از دست وی بحکومت برسد، باید قدری مجازات وی در مرتبه (۲) و (۳) حسب المراتب کسب زیادت و شدت نماید.

اعلیحضرت: ذات همایونی با یک عالم شادمانی این نظریه لویه جرگه را بنظر قبول منظور فرموده منشی مجلس را امر بقلم بند نمودن او کرد این مبحث بکمال شادمانی خاتمه یافت.

وکیل قندهاری: یکنفر قندهاری با اینکه مبحث با اتفاق آرای عمومی خاتمه یافت بر پا خاسته بیان داشت، چنانچه مردان در صورت عدالت و مساوات بنزد حکومت مسئولند، بایستی حکومت ما زنانیکه نا حق بمحکمه از طرف مرد شکایت کنند و ریش شوهران خود را بدست قاضی و محتسب بلا سبب بدهند، نیز مجازاتی مقرر نمایند.

لویه جرگه: {باینکه ذات همایونی از نکته سنجی و باریک بینی که دارند از آغاز کلام بمقصد این مرد رسیده بود، میخواستند بمجرد سکوت اش جوابی برایش بگویند. اما اعضای لویه جرگه سبقت جسته جوابهای بسیار معقول برای وی گفتند که اول زنانرا اینقدر جرئت نیست که نا حق و بلا نسبت عریضه پرداز شوند و باز شریعت بدون گواه و دلیل سخن هیچ کس را نمیشنود. مقصد اینکه سخن آقا پوچ رفت و مکرراً همان نظریه ابتدایه خود را لویه جرگه در این مورد درست گفتند، و منشی مجلس آنرا تأیید کنان بعد از امضای همایونی بامضای عموم لویه جرگه تزئین یافت.

در اینجا ساعت (۱۲) را نشان داد و اعلیحضرت محی ملت افغان عموم حضار را رخصت فرموده مزید مباحثه نظامنامه نکاح و عروسی را بظهر وعده دادند.

(ادامه در قسمت چهاردهم)